

تحلیل اعتراض‌های سیاسی دی‌ماه ۱۳۹۶

مرتضی نوروزپور*

چکیده

اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، یکی از گسترده‌ترین اعتراض‌های سیاسی پس از انقلاب ۱۳۵۷ بود. هدف این مقاله، یافتن عناصر معنایی شکل‌دهنده به این اعتراض‌ها است. در این راستا، با تحلیل محتوای مصاحبه‌های عمیق با معتضدان، مضمون‌های اعتراضی شناسایی و مضمون‌های اولیه، به سه دسته تقسیم شده‌اند؛ دستهٔ نخست، بنا به توصیف‌های مصاحبه‌شوندگان، ویژگی‌های اعتراضی را نشان می‌دهند و دستهٔ دوم، انگیزش‌های معتضدان را بازنمایی می‌کنند. انگیزش‌های

۱. برگرفته از رساله کارشناسی ارشد علوم سیاسی با عنوان «تحلیل اعتراضات سیاسی دی‌ماه ۱۳۹۶» نوشته مرتضی نوروزپور، به راهنمایی دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی، مشاوره دکتر احمد گل‌محمدی و داوری دکتر ابوالفضل دلاوری که در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۳۰ در دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شد.

* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (Morteza.noroozpour@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۳۰

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۲۰-۱۸۵

معترضان به دو دسته «بنیادی» و «دورانی» تقسیم شده‌اند. انگیزش‌های دورانی، به لحاظ سیر زمانی، به مقطع پیش از اعتراض‌ها و انگیزش‌های بنیادی، به ساختارهای اجتماعی دیرپاتر، مربوط می‌شوند. انگیزش‌های بنیادی نیز به دو دسته حیاتی و ذهنی (فرهنگی) تقسیم شده‌اند. مواردی همچون نیاز اقتصادی، نیاز جنسی، و... جزء نیازهای حیاتی درنظر گرفته شده‌اند و مواردی مانند تبعیض و تحکیر، محرومیت قیاسی، انگیزه اخلاقی، و... در چارچوب نیازهای ذهنی قرار گرفته‌اند. سرانجام، با اندازه‌گیری فراوانی این انگیزش‌ها در متون مصاحبه با معترضان و با استناد به نظریه شناسایی اکسل‌هونت، به این نتیجه رسیدیم که علت اصلی اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، نیازهای ذهنی بوده است و در رأس این نیازها، مسئله تبعیض و تحکیر قرار دارد.

واژگان کلیدی: /اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، عدالت اجتماعی، نظریه شناسایی اکسل‌هونت، شورش‌های اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی

مقدمه

اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، یکی از گسترده‌ترین اعتراض‌های سیاسی پس از انقلاب ۱۳۵۷ بود. پس از انقلاب، شاهد شورش‌های مختلفی در جامعه ایران بودیم، اما هیچ‌یک از آن‌ها به لحاظ گوناگونی معتبرضان، چندلایه بودن، و گستردگی، همانند حادث دی‌ماه ۱۳۹۶ نبوده‌اند؛ براین‌اساس، پرداختن به لایه‌های مختلف این حادثه به‌دلیل تأثیرات هم‌زمان و ناهم‌زمان آن بر موضوع‌هایی همچون انسجام ملی، تحولات بین‌الملل، و... اهمیت زیادی دارند.

در تحلیل چرایی وقوع این حادثه، نوشه‌های علمی اندکی وجود دارد و تحلیل‌های شفاهی نیز، به‌دلیل متاخر بودن آن، محدودیت دسترسی به منابع، و کمبود داده‌های دست اول، بیشتر به بررسی کمی حادثه محدود شده‌اند. بخش عمده تحلیل‌های پیش‌گفته، با تکیه بر روش‌های کمی به یک‌لایه‌سازی حادثه اقدام کرده‌اند و از رسیدن به عمق میدان بازمانده‌اند و برخی جزئیات که از بطن حادثه مهم‌تر هستند را از قلم انداخته‌اند. در تمام تحلیل‌های یادشده، معتبرضان هم حاضر هستند و هم غایب، زیرا درباره آن‌ها صحبت می‌شود، اما بی‌واسطه در بطن تحلیل حاضر نیستند. به زبان ساده، تلاش نشده است که شرایط از نظرگاه آن‌ها دیده شود و به‌همین‌سبب، لزوم انجام پژوهش‌های کیفی، بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

در این پژوهش تلاش شده است که با نگاهی کیفی و براساس دو چارچوب نظری فرصت سیاسی و شناسایی، افزون‌بربرسی ریشه‌ها و ساختارهای معنایی شکل‌دهنده به حادث دی‌ماه ۱۳۹۶، به بررسی عناصر رفتاری معتبرضان و رویه‌هایی که نارضایتی را در ذهن آن‌ها سامان داده است نیز پردازیم. در این‌راستا، با به‌کارگیری رهیافت پدیدارشناسی به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم که

اعتراض‌های یادشده از کدام ساخت معنایی برآمده‌اند؛ بنابراین، پرسشی که در پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به آن هستیم این است که «عناصر معنایی شکل‌دهنده به اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ چیست؟»

۱. پیشینه پژوهش

به دلیل متأخر بودن اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، پژوهش‌های منسجم در این حوزه، بسیار انگشت‌شمار هستند، اما در ادامه سعی کرده‌ایم به گونه‌ای مختصر، مروزی بر اندک پژوهش‌های موجود داشته باشیم.

فرزاد پورسعید (۱۳۹۷)، مهم‌ترین بستر نارضایتی را چهره اقتصادی این اعتراض‌ها می‌داند و به رشد سرمایه‌داری مالی نسبت به سرمایه‌داری تجاری و صنعتی اشاره می‌کند.

ابراهیم حاجیانی (۱۳۹۷) در توصیف این اعتراض‌ها، از یک ذهنیت عام به نام احساس محرومیت و ناتوانی نظام سیاسی در پاسخ‌گویی به این محرومیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، ارتباطی، و سیاسی یاد می‌کند که سرانجام سبب ایجاد ناامیدی از حل و فصل مشکلات در میان بخش زیادی از جامعه شده است. البته او جریان‌های خارج از دولت و نظام سیاسی را به عنوان عامل ایجاد این فضای روانی منفی معرفی می‌کند.

نعمت‌الله فاضلی (۱۳۹۷) از فرهنگ کینه‌توزی و محرومیت نسبی ناشی از رسانه‌های مدرن به عنوان بسترها نارضایتی نام می‌برد. داود مرادی (۱۳۹۷) با به کارگیری نظریه‌های هانتینگتون، افزایش جمعیت جوان در کشور، به ویژه متولدان دهه ۱۳۶۰ را از جمله دلایل اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ بر می‌شمارد.

حاجیانی (۱۳۹۷) برای تحلیل این اعتراض‌ها از الگویی با سه سطح خرد، میانی، و کلان استفاده کرده است. وی عوامل ساختاری‌ای همچون جمعیت جوان مطالبه‌گر، بهنجار شدن فساد اقتصادی، نادیده گرفتن واقعیت‌های جامعه در گفتمان رسمی حاکمیت، و شکاف و دوگانگی دولت‌ملت در حل مسائل و چالش‌های اجتماعی را به عنوان دلایل این اعتراض‌ها معرفی می‌کند (حاجیانی و دیگران،

.(۱۳۹۷-۲۷۴: ۱۷).

بخش عمده تحلیل‌های یادشده، تنها بر داده‌های کمی کلان تأکید داشته‌اند و نوآوری این پژوهش، بررسی کیفی این اعتراض‌ها است، تا دریچه جدیدی به بررسی این واقعه بگشاید.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، روشی داده‌بنیاد است. در روش داده‌بنیاد، از داده‌های سازمان یافته که از مصاحبه با شرکت‌کنندگان به‌دست آمده است (به روش استقرایی) برای خلق مفهوم و کشف بسیاری از الگوهایی که درک نشده‌اند، استفاده می‌شود (گلاسر^۱، ۲۰۰۲).

برای سامان بخشیدن به داده‌های حاصل از مصاحبه، از کدگذاری داده‌ها استفاده شده است. روش‌های متنوع و ابتکاری بسیاری برای تحلیل مضمون ارائه شده است، اما در پژوهش حاضر، از روش براون و کلرک^۲ استفاده کردہ‌ایم که در بردارنده مراحل زیر است:

- آشنایی با داده‌ها؛
- استخراج کدهای اولیه؛
- تحقیق درباره مضمون‌ها؛
- مرور و تعریف مضمون‌ها؛
- نوشتن گزارش (ماگویر و دلاهونت^۳، ۲۰۱۷).

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه با معتبرسان بوده و تمام مقوله‌هایی که در ادامه می‌آید، از این طریق به‌دست آمده است، اما دسترسی به بخشی از طیف‌های معتبرسان، به‌دلیل مسائل سیاسی‌امنیتی، امکان‌پذیر نبوده است. در این شرایط، به‌تبیعت از رویهٔ پژوهش کیفی، ناگزیر هستیم که بررسی خود را به بخش دردسترس محدود کنیم (پاتون^۴، ۲۰۰۲). معتبرسان با این راهبرد انتخاب شده‌اند که

-
1. Glasser
 2. Braun and Clarke
 3. Maguire and Delahunt
 4. Patton MQ

اولاً در دسترس باشند، ثانیاً توانایی بازگویی و شرح خواسته‌ها و رفتارهای خود یا معتبرضان دیگر را داشته باشند، و ثالثاً توانایی ایجاد اعتماد بین آن‌ها و مصاحبه‌کننده وجود داشته باشد تا بتوانند بدون ترس از پیامدهای اظهارنظرهای خود، آن‌ها را آزادانه بیان کنند.

در جامعه آماری مورداشاره، شیوه نمونه‌گیری، از نوع هدفمند معرف با حداکثر تنوع شناخته شده بوده است. در چنین پژوهش‌هایی که تکثر موارد بر تنوع داده‌ها تأثیرگذار است، برای تدقیق نمونه‌گیری، از مجموعه‌ای از موارد متمایز به صورت هدفمند استفاده می‌شود تا مورد انتخابی بتواند معرف طیفی باشد که آن را نمایندگی می‌کند (آنوگیزی^۱، ۲۰۰۹: ۲۱-۱). برهمین اساس، شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش به گونه‌ای سامان داده شده است که انواع طیف‌های معتبرضان را دربر گیرد.

در پژوهش کیفی، نمونه‌ها بر مبنای حجم نمونه موردنظر در پژوهش کمی سنجیده نمی‌شوند و در پژوهش‌هایی از سinx پژوهش حاضر، حجم نمونه مشخصی در منابع پیشنهاد نشده است و تعیین حجم نمونه با توجه به محدودیت‌هایی مانند زمان، هزینه، و... به پژوهشگر سپرده می‌شود یا اینکه براساس پژوهش‌های مشابه تعیین می‌شود (بایرن^۲، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر، با درنظر گرفتن محدودیت‌های زمانی و همچنین، فقدان پژوهش‌های مشابه، سعی شده است حجم نمونه، گستره انگیزش‌های معتبرضان را دربر گیرد و نمونه‌گیری تا حد اشباع داده‌ها ادامه یابد و گستره مصاحبه‌شوندگان براساس راهبرد مورداشاره، پاسخ‌گوی تنوع طیف‌های معتبرضان شرکت کننده در اعتراض‌ها و گویای تمام انگیزش‌های اعتراضی باشد؛ بنابراین، تعداد مصاحبه‌هایی از جنس مصاحبه تحلیلی تا ۳۰ مصاحبه از استان‌های تهران، خوزستان، اصفهان، و لرستان ادامه پیدا کرد، اما با توجه به عمق داده‌ها و تکرار انگیزش‌ها، ۱۵ مورد از مصاحبه‌ها که می‌توانستند طیف خود را نمایندگی کنند، تحلیل شدند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

پس از بررسی اولیه مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل بسترها شکل‌گیری اعتراض‌های

1. Onwuegbuzie

2. Byrne

دی ۱۳۹۶، از نظریه شناسایی اکسل هونت و برای تحلیل سیر به صحنه آمدن این انگیزش‌ها در مقطع زمانی موردنظر، از نظریه فرصت سیاسی استفاده خواهیم کرد که آن‌ها را در ادامه بحث توضیح خواهیم داد.

۱-۳. تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری نارضایتی براساس نظریه شناسایی اکسل هونت فلسفه «شناسایی»^۱ تغییر نظری‌ای بود که پس از نظریه‌های بازنویسی طرح شد. نظریه‌های بازنویسی در مقیاس عدالت و دستاوردهای یک جامعه عادلانه اندیشیده شده، هیچ تغییری ایجاد نکردن، اما نظریه شناسایی، ما را قادر می‌کند که ادعاهای عدالت در مورد ازدواج هم‌جنس‌گرایان، نزاع بین دین، ملت، جنسیت، شمال و جنوب، فقیر و غنی، و... را بسنجدیم (اولستروم^۲ و دیگران، ۲۰۱۱: ۲۲۱-۲۰۵).

اکسل هونت را باید متأخرترین صورت‌بند هگل به شمار آورد. هونت به ایده «جدال برای شناسایی» هگل، رنگوبوی ماتریالیستی داد. او بر این نظر است که چارچوب بحثی که جورج هربرت مید درباره روانشناسی اجتماعی مطرح می‌کند، پیش‌ازین، در آثار نخستین هگل و در دست‌نوشته‌های یانا وجود داشته است. هونت بر این نظر است که با ترسیم این تصویر از هربرت مید، می‌توان روند تغییرات اجتماعی را با استناد به تقاضای هنجارهای اجتماعی، شرح داد (هونت، ۱۹۹۶: ۹۲).

نقشه آغازی که هگل متقدم و مید بر آن توافق دارند، این است که بازنولید زندگی اجتماعی در گروه ضرورت شناسایی متقابل است، زیرا یک فرد، زمانی می‌تواند رابطه عملی با «خود» را توسعه دهد که بیاموزد، خود را از دیدگاه هنجاری کسی که در رابطه متقابل با وی شرکت دارد، ببیند (هونت، ۱۹۹۶: ۹۳).

اکسل هونت از سه گونه شناسایی سخن می‌گوید که دال مرکزی شناسایی مستقل را تشکیل می‌دهند. این سه گونه شناسایی عبارتند از:

- اعتماد به نفس^۳؛
- کرامت شخصی^۴؛

1. Recognition

2. Ohlström

3. Honneth

4. Self Confidence

• عزت نفس^۲.

اعتماد به نفس، در روابط عاشقانه و دوستانه فرد ایجاد می‌شود. عشق و دوستی، گونه‌هایی از شناسایی هستند که توسط دوستان و اعضای خانواده، اعتمادی بینادین را پایه‌ریزی می‌کنند و افراد می‌آموزند که خودشان را بدون ترس از تنها‌ی ارائه دهنده، اینجا جایی است که «خود» ظهرور می‌یابد و حق آن‌ها برای وجود، مورد شناسایی قرار می‌گیرد.

كرامت شخصي، دومين شكل شناسايي است که نيازمند اين است که فرد به عنوان عضو و شهروندی از جامعه، مورد شناسايي قرار گيرد. منظور اين است که فرد، به عنوان شخص مستقلی که دارای حق قانونی مشارکت در شکل دادن جهان اطراف خود است، پذيرفته شود. كرامت شخصي زمانی ایجاد می‌شود که فرد در نسبت با جامعه، سوژه‌ای دارای حقوق مدنی، سياسی، و اجتماعی باشد.

سومين نوع شناسايي، عزت نفس است و زمانی تبلور می‌يابد که فرد به عنوان عنصر ارزشمندی در جامعه پذيرفته شود. عزت نفس در همبستگی اجتماعی، مورد شناسايي قرار می‌گيرد، يعني جايی که ارزش‌ها توزيع می‌شوند. شناسايي اجتماعي زمانی رخ می‌دهد که ارزش‌ها و سهم فرد به عنوان يك عضو جامعه، هميشه به رسمييت شناخته شود. عدم شناسايي در اين مرحله، خود را در شکل محکوميت اجتماعي يا لکه ننگ بودن نشان می‌دهد (اوبراین^۳: ۶۴، ۲۰۱۳).

هونت، نزاع برای شناسايي را فرایند اجتماعي ای توصيف می‌کند که طی آن، گروه‌های خاص در مقابل رفتارهای نعادلانه‌ای که بر آن‌ها روا داشته می‌شود، مقاومت می‌کنند و در پی زبان‌پيرايي از برچسب‌هایی هستند که توسط قدرتمدان و نخبگان‌های غالب به آن‌ها زده شده است (اوبراین، ۶۶: ۲۰۱۳). بي احترامي می‌تواند در هر مرحله از پيشرفت شخصي يا اجتماعي، توسط خانواده/دوستان، جامعه مدنی، يا دولت رخ دهد و ممکن است به تجربه تجاوز روحی يا جسمی و انکار حقوق و ارزش‌های اجتماعي مربوط شود؛ بنابراین، نظرية شناسايي هونت می‌تواند چارچوبی

1. Self Respect

2. Self Esteem

³ O'Brien

برای تحلیل منازعات اجتماعی، مانند اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ به پژوهشگر بدهد، اما در پژوهش حاضر، تنها به نظریهٔ شناسایی هونت اکتفا نشده است و سعی کردہ‌ایم این نظریه را برای جامعه ایران و به‌ویژه اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ بومی‌سازی کنیم.

۲-۳. بررسی فرایند عینیت یافتن اعتراض‌ها براساس نظریهٔ فرصت سیاسی اگر نظریهٔ شناسایی هونت را چارچوبی برای تحلیل زمینه‌های اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ به‌شمار آوریم، فعال شدن این زمینه‌ها در دی ۱۳۹۶، رخدادی است که تنها با نظریهٔ شناسایی هونت قابل تحلیل نیست.

نظریه‌های گوناگونی در مورد فرایند شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و پیوند امر سیاسی و مطالبات جمعی ارائه شده است که یکی از آن‌ها، نظریهٔ فرصت سیاسی است. فرصت سیاسی، رخدادی است که طی آن، جنبش یا اعتراض سیاسی ظهرور و عینیت می‌یابد و گروه‌های سیاسی، حول زمینهٔ مشترکی که از آن با عنوان «بستر سیاسی» یاد می‌شود، متعدد می‌شوند. این بستر سیاسی، مفهومی است که انگارهٔ فرصت سیاسی به آن معطوف می‌شود. به‌نظر سیلزی تارو، چهار متغیر تأثیرگذار بر ساختار فرصت سیاسی عبارتند از: دسترسی به مجاری مشارکت، ائتلاف‌های سیاسی، حضور یا غیبت متحدان در سازوکارهای اجرایی، و تضاد بین نخبگان (روکت و دیگران^۱، ۱۹۹۶: ۱۹۱).

دیتر روکت و همکاران (۱۹۹۶) نیز براساس پژوهش‌های سیدنی تارو، چهار مؤلفهٔ یادشده را به‌شكل زیر مفصل‌بندی کرده‌اند:

- دسترسی به نظام سیاسی رسمی و غیررسمی؛ رسمی از طریق مشارکت در احزاب، و غیررسمی، یعنی توانایی لابی و تأثیرگذاری بر نظام‌های سیاست‌گذاری از طریق مجاری غیررسمی که به باز یا بسته بودن نظام سیاسی بستگی دارد؛
- ظرفیت اجرایی کردن سیاست‌ها؛ که به معنای این است که سیاست‌های موردنظر جنبش، بدون توجه به مقاومت‌های داخلی و خارجی، اجرایی شود که طیفی از کم تا زیاد را دربر می‌گیرد؛
- ساختار اتحاد؛ که پیکربندی متحدان است و می‌تواند سبب ایجاد طرفداران

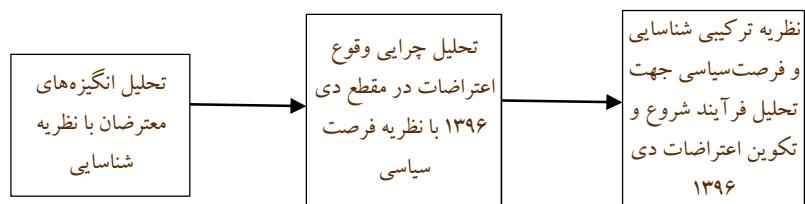
ذاتی یا نمادین از حرکت و جنبش شود. مقیاس آن می‌تواند از قوی تا ضعیف را دربر گیرد؛

- ساختار تضاد؛ که پیکربندی مخالفان است و می‌تواند سبب تضعیف، محدودیت، یا سرکوب بسیج اجتماعی جنبش‌ها شود، که مقیاسی از قوی تا ضعیف را تشکیل می‌دهد (روکت و دیگران، ۱۹۹۶-۱۹۹۲).

۳-۳. چارچوب ترکیبی

براساس آنچه پیش‌ازین گفته شد، برای تحلیل بسترها و ساختارهای شکل‌گیری نارضایتی، از نظریه شناسایی هوت، و به منظور تحلیل فرایند ظهور و عینیت یافتن آن، از نظریه فرصت سیاسی دیتر روکت و همکاران (۱۹۹۶) استفاده خواهیم کرد.

نمودار شماره (۱). خلاصه چارچوب نظری ترکیبی مقاله



۴. فرصت سیاسی ایجاد شده در دی ۱۳۹۶

در مصاحبه با معترضان دی ۱۳۹۶ مشخص شد که شبکه‌های اجتماعی، فرصتی را برای ایجاد شبکه‌ای از اتحاد بین معترضان فراهم کرده بودند، کما اینکه اکثریت قریب به اتفاق معترضان مورد مصاحبه با هماهنگی در شبکه‌های اجتماعی در اعتراض‌ها حاضر شده بودند. افزون‌براین، نخستین تجمع در ۷ دی ۱۳۹۶ توسط طیف طرفداران دولت^۱ و در مشهد سازماندهی شده بود که براساس پوسترهای اولیه منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، قرار بود تجمع مختصری علیه رئیس جمهور باشد. این تجمع در مشهد، در کنار حملاتی که پیش از آن به رئیس جمهور در سطح رسانه‌ها می‌شد و همچنین، درگیری‌های لفظی بین مسئولان کشور، این پیام را به معترضان منتقل کرده بود که ساختار حاکمان یا به‌تعبیر روکت، «ساختار تضاد»،

دچار گستاخ و از هم پاشیدگی شده است و معتبرسانی که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند، اکثراً بر این مسئله تأکید می‌کردند که آغاز این اعتراض‌ها از مشهد — که پایگاه هواداران حاکمیت است — برای آن‌ها پیامی مبتنی بر چندپارگی در داخل حکومت به همراه داشت.

تصویر شماره (۱). پوستر اولیه منتشرشده در مورد تجمع ۷ دی ۱۳۹۶ شهر مشهد



این دو مؤلفه، یعنی «ساختار اتحاد» از طریق شبکه‌های اجتماعی و ایجاد ذهنیت چندپارگی در «ساختار تضاد»، فرصت سیاسی‌ای را برای معتبرسان فراهم کرد که اعتراض‌های خود را از ۷ دی ۱۳۹۶ آغاز کنند. این فرصت سیاسی توانست مانند آتشی بر هیزم نارضایتی باشد. در ادامه، زمینه‌های ایجاد نارضایتی در میان معتبرسان را بررسی خواهیم کرد.

۵. بررسی زمینه‌ها، ویژگی‌ها، و انگیزه‌های معتبرسان

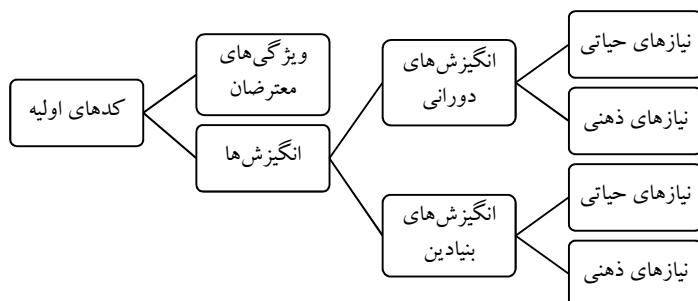
فرصت سیاسی ایجادشده در دی ۱۳۹۶، رخدادی برای به صحنه آمدن زمینه‌های نارضایتی بود. برای بررسی این زمینه‌ها، مصاحبه‌های عمیق با معتبرسان انجام شد و پس از مصاحبه و آشنایی با مضمون‌های عمدہ‌ای که آن‌ها طرح کردند، به ۳۸

مضمون اولیه رسیدیم که عبارتند از: بیکاری، نارضایتی از شرایط کاری، نارضایتی از شرایط آموزشی کشور، مسائل خانوادگی، سربازی، حجاب، داشتن حس خوب در مورد گذشته، نامیدی از حسن روحانی، نداشتن چیزی برای از دست دادن، تلاش برای ماندگاری در تاریخ، تلاش برای حفظ رفاقت‌ها، نیاز جنسی، فقدان چشم‌اندازی برای آینده (امید)، تجربه برخورد سخت، تجربه تبعیض، تجربه سقوط آزاد اقتصادی، شناسایی نشدن توسط سیاسیون، مخالفت با دین حکومتی یا تقابل با دین، نامیدی از روند اصلاحات، مبارزه طبقاتی، امید به انقلاب و تغییر، عدم امکان چشم‌پوشی از مشکلات مردم و فقر و تحقیر ناشی از آن، سبک زندگی متفاوت، فقدان اوقات فراغت، فقدان آزادی به‌طور عام، پلورالیسم، مقایسه شرایط خود با وضعیت مردم کشورهای دیگر، عدم رضایت از سیاست خارجی، مسائل محیط زیستی، مشکل مسکن، هزینه‌های بهداشت و درمان، عدم رضایت از بودجه‌ریزی، نظرگاه ناسیونالیستی.

با توجه به کدهای اولیه، ابتدا آن‌ها را دسته‌بندی و مضمون‌ها را از آن‌ها استنباط می‌کنیم و با نیم‌نگاهی به متن اصلی مصاحبه‌ها، به توصیف مضمون‌ها خواهیم پرداخت که به نوعی بازگردانی مطالب معتبرسان است. با بررسی کدهای اولیه به دو دسته کد می‌رسیم. دسته نخست، کدهایی که ویژگی‌های اعتراض‌ها را نشان می‌دهند و منظور، مجموعه ابزارهایی است که شیوه عملکرد معتبرسان را مشخص می‌کند؛ دسته دوم، انگیزش‌ها هستند که به دو دسته انگیزش‌های دورانی و انگیزش‌های بنیادین تقسیم می‌شوند. انگیزش‌های دورانی، اگرچه ممکن است بعدها متوجه به یک انگیزش پایدار و بنیادین شوند، اما در کشاکش اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، رخدادی مقطعي و مربوط به همان بازه زمانی بودند. انگیزش‌های دورانی ممکن است نیازهای حیاتی یا نیازهای ذهنی (فرهنگی) را به خطر اندازند. منظور از نیازهای حیاتی، نیازهایی است که در پایین‌ترین سطح نیازهای بشری قرار دارند (مانند خوراک، پوشاش، مسکن، امنیت، و...). و منظور از نیازهای ذهنی، نیازهایی است که در سطح بالاتری از نیازهای اولیه قرار دارند (مانند نیاز به همدلی، مفید بودن، مشارکت، و...). انگیزش‌های بنیادین هم مجموعه انگیزه‌هایی هستند که ویژه بازه تاریخی اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ نیستند، بلکه از پیش، موجود بوده‌اند و به

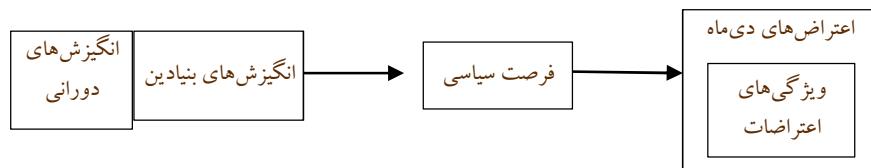
بخشی از ساختارهای جامعه یا قدرت تبدیل شده‌اند. این انگیزه‌های بنیادین نیز خود به دو دسته نیازهای حیاتی و نیازهای ذهنی تقسیم می‌شوند. به‌طور خلاصه می‌توان دسته‌بندی مضمون‌های اولیه به‌دست‌آمده از مصاحبه با معتبرضان را در نمودار زیر نشان داد:

نمودار شماره (۲). دسته‌بندی مضمون‌های استخراج شده از مصاحبه با معتبرضان



رونده بررسی اعتراض‌ها را نیز می‌توان در نمودار شماره (۳) مشاهد کرد؛ مجموعه‌ای از انگیزش‌های بنیادین و دورانی در مقطع زمانی مشخص شده با عنوان فرصت سیاسی ظهرور و بروز می‌یابند و اعتراض‌هایی را به وجود می‌آورند که ویژگی‌های خاص خود را دارند.

نمودار شماره (۳). روند بررسی اعتراض‌ها، از شکل‌گیری انگیزش‌ها تا ظهرور اعتراض‌ها



۱-۵. ویژگی‌های اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶

برخی ویژگی‌های اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، تنها به این اعتراض‌ها مربوط نیست و در اعتراض‌های گذشته نیز وجود داشته است و احتمالاً در اعتراض‌های آینده نیز بیشتر نمایان خواهد شد. نگارنده تلاش کرده است از خلال توصیف‌های معتبرضان برخی از ویژگی‌های این اعتراض‌ها را مشخص کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- میل به تخریب و غارت؛

- رقص، سوت و کف و فحاشی؛
- ارتباط از طریق فضای مجازی؛
- سبقه اعتراضی؛
- عامل کنترل کننده؛

میل به تخریب و غارت، یکی از ویژگی‌های اعتراض‌های فرودستان است که در این اعتراض‌ها نیز وجود داشت.

تصویر شماره (۲). یکی از بانک‌های تخریب شده در خرم‌آباد که در تاریخ عکسبرداری (خرداد ۱۳۹۸)،

مخروبه شده بود



یکی دیگر از ویژگی‌هایی که اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ را از اعتراض‌های پیش‌ازآن، متمایز می‌کرد، وجود فضای رقص و پایکوبی یا به‌تعبیر معترضان، «فضای فان» بود. بسیاری از معترضان به‌ویژه نوجوانان و جوانان—می‌گفتند که در حین اعتراض‌ها «مسخره‌بازی» در می‌آوردن و سعی می‌کردند شاد باشند. این مسئله می‌تواند از دو وضعیت سرچشمه گرفته باشد؛ بخشی از آن، ناشی از غلبه بر ترسِ رویارویی با عوامل کنترل کننده مانند نیروهای امنیتی است و بخشی از آن، ناشی از میل لذت‌جویی است که به‌تعبیر معترضان، از آن‌ها دریغ شده است و این افراد سعی می‌کنند از هر بستری برای جبران آن استفاده کنند.

مسئله دیگری که در میان معترضان دی ۱۳۹۶ بسیار دیده می‌شد، فحاشی است. در مصاحبه با معترضان مشاهده شد که آن‌ها برای توصیف احساساتشان، دایرهٔ لغت محدودی داشتند. این مسئله با گستردگی بودن مصرف فرهنگی موسیقی رپ در میان جوانان مورد مصاحبه، ارتباط تنگاتنگی دارد.

همان‌گونه که در بخش پیشین نیز اشاره شد، قریب به اتفاق معترضانی که با

آنها مصاحبه کرده‌ایم، نخستین پیام‌های تجمع را در تلگرام یا اینستاگرام مشاهده کرده بودند. نکته جالب توجه این است که هنگامی که این افراد در خیابان حاضر شدند، شروع به تهیه عکس و فیلم و انتشار مستقیم آنها در صفحه‌های مجازی خود می‌کردند؛ گویی آنها قصد داشتند ثابت کنند که بخشی از فضای شکل‌گرفته هستند و غایب نبوده‌اند.

سبقه اعتراضی، ویژگی دیگری است که در این اعتراض‌ها دیده می‌شد. سبقه اعتراضی به نوعی در ناخودآگاه جمعی افراد جای گرفته است و در شکل‌دهی به اعتراض‌ها بسیار تأثیرگذار است؛ به گونه‌ای که مثلاً شهر تهران که پیشینه اعتراض‌های گسترده‌ای مانند سال ۱۳۸۸ را داشته است، تجربه‌ای را به نسل جدید منتقل کرده است. نشانه‌هایی از این ناخودآگاه در میان افراد مصاحبه‌شونده در تهران قابل مشاهده بود که در مورد مناطق دیگر دیده نمی‌شد.

در مورد عامل کترول‌کننده یا به‌تعییری، فضای امنیتی نیز افراد موردمصاحبه پس از سرکوب، همبستگی بیشتری میان خود احساس می‌کردند.

۲-۵. انگیزش‌های معترضان

انگیزه‌ها، موتور محرکه فرد برای انجام هر عملی هستند. برخی از این انگیزه‌ها، مقطوعی هستند که ما آنها را انگیزه دورانی نامیده‌ایم و برخی دیگر از آنها، انگیزه‌هایی هستند که در طول زمان، ثابت مانده‌اند و بخشی از ساختار شده‌اند و در اینجا از آنها با عنوان انگیزه‌های بنیادین یاد می‌کنیم. این انگیزه‌ها، از هر نوعی که باشند، می‌توانند از نیازهای روحی یا فیزیولوژیک (حیاتی) سرچشم‌گرفته باشند. در ادامه، انگیزه‌های یادشده را از زبان معترضان توصیف کرده‌ایم.

۱-۲-۵. انگیزش‌های دورانی

انگیزش‌های دورانی ای که معترضان را در اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ به خیابان آورد را می‌توان به سه حوزه اصلی تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از: نامیدی از حسن روحانی، تجربه سقوط آزاد اقتصادی، و نامیدی از روند اصلاحات. فراوانی مضمون‌های به‌دست‌آمده در طول مصاحبه با معترضان، در جدول شماره (۳) نمایش داده شده است.

جدول شماره (۱). مضمون‌های انگیزش‌های دورانی

درصد	فراوانی	مضمون
۴۷	۲۲	نالمیدی از حسن روحانی
۱۵	۷	تجربه سقوط آزاد اقتصادی
۳۸	۱۸	نالمیدی از روند اصلاحات

نالمیدی از حسن روحانی: بسیاری از معتبرسان دی ۱۳۹۶، در انتخابات اردیبهشت ۱۳۹۶ به حسن روحانی رأی داده بودند و حتی برای وی تبلیغ کرده بودند. این افراد تصور می‌کردند که پس از رأی دادن به روحانی، شاهد یک معجزه خواهد بود و شرایط اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای شگفت‌انگیز تغییر خواهد کرد. مسئلهٔ دیگر این بود که نالمیدی از حسن روحانی تنها به معنای نالمیدی از قوهٔ مجریه نبود، بلکه به معنای نالمیدی از کلیت ساختار سیاسی حاکم بر کشور بود و افراد موردمصاحبه به نقطه‌ای رسیده بودند که فکر می‌کردند ساختارهای انتخابی کشور، کارکردی ندارد و «فرمالیته» هستند. باید به این نکته نیز توجه کرد که نالمیدی از حسن روحانی در طول سلسله نالمیدی از حکومت قرار گرفته بود و معتبرسان تصور می‌کردند که حکومت با آن‌ها صادق نیست. تغییر رفتار حسن روحانی پس از انتخابات نیز به این وضعیت دامن می‌зд و معتبرسان اعلام می‌کردند که پس از انتخابات، فضای سخنرانی‌های رئیس جمهور عوض شده است و در عین حال، به جز تعدادی شعار، هیچ برنامه عملی‌ای برای مقابله با فساد یا آزادی‌های اجتماعی وجود ندارد.

تجربه سقوط آزاد اقتصادی: سقوط آزاد اقتصادی در برههٔ کوتاه پیش از دی ۱۳۹۶ مسئله‌ای بود که بسیاری از معتبرسان به آن اشاره کرده‌اند. این تجربه، ناشی از رکود اقتصادی و تورم (سقوط ارزش پول ملی) بود که خود را با از دست دادن شغل یا افزایش قیمت ارز نشان داده بود.

نالمیدی از روند اصلاحات: بخشی از حاضران در اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، افرادی بودند که از روند اصلاحات از طریق صندوق رأی و حتی رویه‌هایی که در سال ۱۳۸۸ توسط رهبران اعتراض‌ها پیگیری می‌شد، نالمید شده بودند. حرف آن‌ها به زبان خودشان این بود که «مگر ما چقدر عمر می‌کنیم که بخش زیادی از آن باید صرف انتظار برای اصلاحات گام به گام شود». در مورد اصلاحات اجتماعی و جریان موسوم به اصلاحات، باید تفکیک قائل شویم. بخش زیادی از معتبرسان دی ۱۳۹۶، به اصلاحات

معتقد بودند، اما جریان موسوم به اصلاح طلبی را حامل این اصلاحات نمی‌دانستند.

۲-۵. انگیزش‌های پنیادین

انگیزش‌های بنیادین، اساسی‌تر و پایاتر از انگیزش‌های دورانی هستند و به مرور به بخشی از ساختار تبدیل شده‌اند. همان‌گونه که پیشتر گفته شد، این انگیزه‌ها به دو دسته انگیزه‌های بنیادین حیاتی و انگیزه‌های بنیادین ذهنی (فرهنگی) تقسیم شده‌اند.

۱-۲-۵. انگیزش‌های بنیادین حیاتی

انگیزش‌های حیاتی شناسایی شده را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اقتصادی، محیط زیستی، و نیاز جنسی. با توجه به کارهای به دست آمده، فراوانی آن‌ها، در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره (۲). دسته‌بندی و فراوانی مضمون‌های مربوط به انگیزش‌های بنیادین حیاتی

ردیف ردیف ردیف	نوع نوع نوع	مضمون گلی	ردیف ردیف ردیف	نوع نوع نوع	مضمون اولیه
۸۳	۷۸	اقتصادی	۲۰	۱۹	بیکاری
			۱۱	۱۰	نارضایتی از شرایط کاری
			۱۱	۱۰	نارضایتی از شرایط آموزشی
			۶	۶	نداشتن چیزی برای از دست دادن
			۲۱	۲۰	فقدان چشم‌اندازی برای آینده
			۵	۵	مسکن
			۳	۳	هزینه‌های بهداشت و درمان
			۵	۵	سباگی
۱۱	۱۰	نیاز جنسی	۱۱	۱۰	نیاز جنسی
۶	۶	محیط زیست	۶	۶	محیط زیست
۱۰۰	۹۴		۱۰۰	۹۴	مجموع

بیکاری: مسئله بیکاری، جزء مضمون‌های اعتراضی انگشت‌شماری است که هم در میان مصاحبه‌ها نمود داشت و هم به صراحت در میان شعارهای معترضان ابراز شده بود. افزون‌بر بیکاران (افرادی که از ابتدای ورود به سن فعالیت اقتصادی، شغلی نداشتند)، مسئله‌ای که انرژی بیشتری را برای خیزش اجتماعی فراهم کرد، افرادی بودند که شغل داشتند، اما شغل خود را از دست داده بودند؛ این افراد، ناگهان از شخصی که صاحب حقوق و احترام بوده است، به شرایط پرخیز گونه سقوط کردند.

نارضایتی از شرایط کاری: فرد ممکن است که شغل هم داشته باشد، اما شرایط وی از فردی که بیکار است، بدتر باشد. بسیاری از کارگران، کمتر از حقوق پایه دریافت می‌کنند. افزونبراین، دسته دیگری از افراد موردمصاحبه، شاغل بوده‌اند، اما به‌نظرشان شغل آن‌ها متناسب با استعدادها و علایقشان نیست و به مرور، احساس می‌کنند که توانایی‌ها و استعدادهاشان برای جامعه مهم نیست. نوع سوم نارضایتی که در میان کارگران شایع است، تحیرهای مختلف در محیط کار است.

نارضایت آموزشی کشور: فردی که از طبقات پایین جامعه باشد، از دو سو در شرایط محرومیت است؛ نخست، به‌سبب عدم دسترسی به مدرسه‌های سطح اول، ناگریر، توانایی پذیرش در دانشگاه‌های برتر را ندارد، دوم اینکه در صورت پذیرفته شدن در دانشگاه‌های غیررایگان، مجبور به پرداخت شهریه است و ازانجاكه معمولاً این افراد توانایی پرداخت شهریه ندارند، از تحصیل بازمی‌مانند و چنانچه به تحصیل در دانشگاه آزاد ادامه دهنده، پس از مدتی به‌سبب ضعف توان مالی از تحصیل انصراف می‌دهند یا برای تأمین شهریه دانشگاه آزاد مجبور به قرض یا نزول گرفتن می‌شوند. بخش زیادی از معترضان محصل را چنین شرایطی به‌ستوه آورده بود.

نداشتن چیزی برای از دست دادن: دوره آغاز جوانی، هم‌زمان که پر از امید است، می‌تواند سرشار از نالمیدی نیز باشد و آن، زمانی است که به‌تعبیر برخی معترضان، فرد «کلی این در و آن در بزند و به هیچی نرسه». در این موقعیت، حالات‌های پرخاشگرانه و عصبی و میل به شورش در روی فروزنی می‌گیرد. در میان افراد موردمصاحبه، اشخاصی بودند که اعلام می‌کردند که حتی حاضرند جان خود را هم بدهند، زیرا مرگ برایشان بهمنزله رهایی از این وضعیت است. جمله «ما که چیزی برای از دست دادن نداریم»، بارها از معترضان شنیده شد.

فقدان چشم اندازی برای آینده: بسیاری از افراد، اگرچه از شرایط خود رضایت ندارند، پیش روی خودشان این چشم‌انداز را دارند که ممکن است شرایط کشور تغییر کند یا حتی اگر شرایط تغییر نکرد، می‌توانند مهاجرت کنند، اما جهش‌های قیمت ارز، حتی تصویر مهاجرت را هم از پیش روی طبقه متوسط معترض محو کرده بود و بخش زیادی از این افراد به این نتیجه رسیدند که زندانی شرایط شده‌اند. در ذهن بخشی از افراد، همواره درآمدها به دلار تبدیل می‌شود و آن‌ها را دچار نوعی تشویش روزمره

می‌کند و آرامش روانی شان را از بین می‌برد. این مسئله در کنار ساختارهای دیگری که رقابت اقتصادی را بی‌معنا کرده‌اند، باعث شده است که بسیاری از افراد تحصیلکرده، نتوانند آینده‌ای را برای خود تصور کنند و به نوعی آینده از آن‌ها ربوده شود و فاعلیت و خواستن آن‌ها در مقابل فشار سیستم، رنگ بیازد. افزون‌براین، بی‌ثبتاتی و تحولات روزمره، امکان هرگونه برنامه‌ریزی را از آن‌ها گرفته است و نه تنها چیزی به‌دست نمی‌آوردن، بلکه امکان دارد همین داشته‌های خود را هم یک‌شبه از دست بدهند و تمام این شرایط، امید را در ذهن آن‌ها نابود می‌کند.

مسکن: برای معتبرضان، به‌ویژه کسانی که متاهل هستند، موضوع تأمین مسکن و اجاره‌بها یک مسئله اساسی است و آن‌ها از عدم امکان خرید مسکن ناراضی هستند. بخش زیادی از آن‌ها کسانی هستند که خانواده‌هایشان در تهران ساکن هستند، اما خودشان نمی‌توانند در تهران خانه بخرند یا حتی اجاره کنند که همین موضوع در تعدادی از موارد، سبب طلاق آن‌ها می‌شود. موضوع دیگری که موردن تقاض معتبرضان بوده است، رهاسازی موضوع مسکن توسط دولت است؛ به‌گونه‌ای که آن‌ها بر این نظرند که دولت پس از توقف طرح مسکن مهر باید طرح جایگزینی برای آن ارائه می‌داد، اما کاری نکرد.

هزینه‌های بهداشت و درمان: فقدان امکانات و زیرساخت‌های درمانی دولتی، این احساس را به مردم القا می‌کند که جانشان اهمیتی ندارد و فرد حتی اگر تحت پوشش بیمه هم باشد، در دوره مریضی به حال خود رها می‌شود. این موضوع، به‌ویژه در حوزهٔ دندانپزشکی، یکی از دغدغه‌های بخشی از معتبرضان بوده است.

سربازی: در مصاحبه با معتبرضان دی ۱۳۹۶، به‌ویژه در میان جوانان، سربازی و مصیبت‌های آن، به عنوان یکی از چالش‌های ذهنی آن‌ها مطرح شد. بسیاری از افرادی که از رفتن به سربازی خودداری می‌کنند، مشکل مالی دارند و چشم‌اندازی هم ندارند که با رفتن به سربازی، مشکلی از آن‌ها حل شود، زیرا امکان سفر به خارج از کشور یا استخدام در مشاغل دولتی را به دلیل سطح تحصیلات ندارند؛ از این‌رو، با نرفتن به خدمت سربازی، فرصتی از آن‌ها گرفته نمی‌شود و در حالت معمول، به شغل‌هایی مانند کارگری روزمزدی و وقت کاری دست می‌زنند و با رفتن به سربازی، همین «آب‌باریکه» را هم از دست می‌دهند و به مدت دو سال، مجبور هستند با حقوق ناچیزی

زندگی کنند و نه تنها کمک خرچ خانواده نمی‌شوند، بلکه به مدت دو سال، به سربار تبدیل می‌شوند و این موضوع بر کاهش عزت نفس آن‌ها نیز بسیار تأثیرگذار است. نیاز جنسی: نیاز جنسی در کنار خوردن، آشامیدن، و خوابیدن، جزء بدیهی ترین نیازهای انسانی است و زمانی که به شکل‌های گوناگونی سرکوب شود، خود را در تحله‌های دیگری هویدا می‌کند. برخلاف تصور غالب کنونی، این مسئله به جای اینکه دغدغه طبقات بالای جامعه باشد، بیشتر دغدغه طبقات پایین موردمصاحبه بود، زیرا طبقات بالای جامعه، بسترهای مختلفی برای اراضی این نیاز دارند، اما در مقابل، طبقات پایین جامعه، چنانچه معتقد به ازدواج هم باشند، شرایط آن برایشان فراهم نیست. بخشی از معتبرضان، سابقه دستگیری در حالت سکس به همراه «دوست دختر» یا «دوست پسر» خود در اماكن عمومي را داشته‌اند.

محیط زیست: وجه اشتراک گفته‌های معتبرضان این است که در سال‌های اخیر، آب، هوا، و خاک کشور به تاراج رفته یا نابود شده است و برخی مسائل مانند پارازیت‌های ماهواره و اخباری که درباره سلطان‌زا بودن آن منتشر شده است، به این موضوع که حکومت به فکر سلامت مردم نیست، دامن زده است. افزون‌براین، فقدان منابع آبی، سبب کاهش رونق کشاورزی و دامداری در برخی نقاط کشور، مانند اصفهان، شده است که اثرات آن بر افرادی که شغل کشاورزی یا دامپروری نداشته‌اند هم تأثیر گذاشته و سبب شکل‌گیری بهانه‌ای برای اعتراض آن‌ها شده است. این آثار متأخر در حدی است که فردی که در اصفهان اعتراض می‌کند، به آلودگی هوا و پدیده ریزگردها در خوزستان نیز معرض است؛ گویی افراد، علیه نابودی محیط زیست در کل جغرافیای ایران شوریده‌اند، نه تنها برای اعتراض به وضعیت اطراف خودشان.

۲-۲-۵. انگيزش‌های بنیادین ذهنی (فرهنگی)

انگيزش‌های بنیادین ذهنی (فرهنگی) را می‌توان در ۶ دسته تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از: تبعیض و تحکیر، محرومیت قیاسی، انگیزه اخلاقی، امر ایدئولوژیک، لذت‌جویی، و ناامیدی. به طور خلاصه می‌توان مضمون‌های اولیه و فراوانی آن‌ها را با توجه به تکرار آن‌ها در طول مصاحبه با معتبرضان به شرح زیر دسته‌بندی کرد. گفتنی است، به نظر می‌رسد که برخی مضمون‌ها هم وجه حیاتی دارند و هم وجه فرهنگی و ما در هر بخش آن‌ها را متناسب با موضوع، توصیف کرده‌ایم.

جدول شماره (۳). دسته‌بندی و فراوانی مضمون‌های مربوط به انگیزش‌های بنیادین حیاتی

ردیف ردیف اولیه	ردیف ردیف دوم	ردیف ردیف سوم	ردیف ردیف چهارم	ردیف ردیف سوم	ردیف ردیف پنجم	ردیف ردیف چهارم	ردیف ردیف ششم	ردیف ردیف هفتم	ردیف ردیف هشتم	ردیف ردیف نهم	ردیف ردیف دهم	ردیف ردیف یازدهم	مضمون اولیه	
۴۹	۱۲۰	نارضایتی از شرایط کاری (تحقیر در محل کار)	۲	۶										
			۲	۶										
			۷	۱۲										
			۱	۲										
			۴	۱۰										
			۱۰	۲۵										
			۴	۱۱										
			۷	۱۸										
			۸	۱۹										
			۲	۵										
			۰	۱										
۶	۱۴	نارضایتی از شرایط کاری (تحقیر در محل کار)	۴	۹										
			۲	۵										
۱۲	۲۹	مقایسه شرایط خود با وضعیت مردم کشورهای دیگر	۱	۳										
			۶	۱۵										
			۲	۶										
			۲	۵										
۱۵	۳۸	ماندگاری در تاریخ	۰	۱										
			۹	۲۲										
			۱	۳										
			۵	۱۲										
			۹	۲۳										
۱۶	۴۰	عدم امکان چشمپوشی از مشکلات جامعه	۴	۱۱										
			۲	۶										
			۲	۶										
۲	۶	فقدان اوقات فراغت	۲	۶										
			۱۰۰	۲۴۷										
نارضایتی از شرایط کاری (تحقیر در محل کار)، یکی از مضمون‌های عمده‌ای بود که مصاحبه‌شوندگان مطرح می‌کردند. در شرایط سخت اقتصادی و زمانی که تقاضای کار از عرضه جایگاه‌های شغلی فزونی می‌گیرد، این جمله از کارفرمایان بسیار شنیده می‌شود: «ناراحتی، برو!» و همین مسئله باعث می‌شود که پرداخت حقوق و مزايا، نه به عنوان حق کارگر، بلکه به عنوان لطفی از سوی کارفرما شمرده شود و کارگر مجبور است برای دریافت حقوق خود به خواهش و تمنا روی آورد که شخصیت وی را خرد می‌کند. موضوع دیگر، بذرفتاری با نیروهای تازهوارد بازار کار است که کارفرمایان اقدام به تحقیر آنها و به نوعی «تو سر آنها زدن» می‌کنند														
نارضایتی از شرایط کاری (تحقیر در محل کار)													مجموع	

و با عنوان‌هایی مانند کارورزی یا کارآموزی حقوق حقه آن‌ها را پایمال می‌کنند. همچنین، تناسب نداشتن کار با استعدادها، علاقه‌مندی، و تحصیلات فرد، در سرخوردگی کارگر مؤثر است.

نارضایتی از شرایط آموزشی (تحقیر در نظام آموزشی): نارضایتی از شرایط آموزشی به نوعی به معنای نارضایتی از کل نظام آموزشی است، نه اینکه فرد تنها از محل تحصیل خود رضایت نداشته باشد. موضوع یادشده، به شکل‌های مختلفی در مصاحبه با معتبرضان یافت می‌شد. عدم هدایت تحصیلی مناسب با استعدادها، سبب می‌شود که بسیاری از افراد از رشته تحصیلی خود رضایت نداشته باشند و رشته تحصیلی خود را براساس سلیقه دیگران انتخاب کنند و درواقع، نظام آموزشی کشور نمی‌تواند شرایط پیگیری استعدادها و علایق افراد را فراهم کند.

تعداد زیادی از دانشجویان، بهویژه در دانشگاه‌های غیردولتی، از رفتار نامناسب استادان و اعضای هیئت علمی در کلاس‌های درس، ناراضی هستند. افزون‌براین، امکانات این دانشگاه‌ها نیز بسیار ناچیز است و برخوردهایی هم که در خوابگاه‌ها، بهویژه با دختران دانشجو، صورت می‌گیرد، به نارضایتی‌ها دامن می‌زنند. عدم شفافیت قوانین و تغییر مداوم آن‌ها در کنار بوروکراسی‌های اداری نیز آرامش روانی دانشجویان را از بین می‌برد. تمام این شرایط، نارضایتی از محیط آموزش را به یکی دیگر از مضمون‌های اعتراضی تبدیل کرده است.

مسائل خانوادگی (تحقیر در خانواده): مسائل خانوادگی و نیازهایی که در خانواده سرکوب می‌شوند، در بردارنده طیف مختلفی از مسائل است که سبب شکل‌گیری نارضایتی می‌شود. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با معتبرضان، بسیاری از آن‌ها از اختلافات خانوادگی رنج می‌برند. در مواردی، پدر یا مادر خانواده در خانه حضور نداشتند، در زندان بودند، یا معتبرضان، فرزند طلاق بودند و خودشان نیز به‌دلیل اعتیاد یا مسائل دیگر از خانواده طرد شده بودند.

در حالت خفیف درگیری، افراد از خانواده خود کنایه‌های گوناگونی می‌شنیدند؛ به عنوان مثال، «خانواده»، وی او را «بی‌عرضه» خطاب می‌کردند. مسئله دیگر در مورد خانواده‌ها این است که برخی از آن‌ها سعی دارند نگرش‌های خود را به اجبار در فرزندانشان درونی کنند؛ به عنوان مثال، فشار برای مذهبی بارآوردن

فرزندان، نه تنها سبب مذهبی بارآمدن آن‌ها نشده است، بلکه برعکس، چون خانواده از موضع قدرت وارد شده است، در فرزند، مقاومت‌هایی شکل گرفته و به طورکلی از مذهب عبور کرده است.

سربازی (تحقیر در سربازی): بسیاری از جوانانی که در آستانه مشمول شدن قرار داشتند و در اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ شرکت داشتند، ترجیح داده‌اند که به سربازی نروند و می‌گویند: «حاضر نیستند برای کسی کار مفت کنند و در عین اینکه کار مفت می‌کنند، لیچار هم بشنوند»، زیرا بسیاری از آن‌ها، شاهد بوده‌اند که دوستانشان در دوران سربازی، اوضاع روحی خوبی نداشته‌اند. برخی از معارضان نیز می‌گویند که وقتی کشور و حکومت برایشان کاری نکرده است، دلیلی برای خدمت به آن‌ها نمی‌بینند. البته بخش دیگری از آن‌ها با خدمت به کشور، در صورت مفید بودن مشکلی ندارند.

حجاب: مصاحبه با معارضان اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ نشان داد که تقریباً اکثریت کسانی که تجربه یک بار برخورد گشت ارشاد و موارد مشابه برای خودشان یا یکی از نزدیکانشان پیش آمده است، هیچ‌گاه به اصطلاح خودشان، «دلشان با حکومت صاف نشده است» و همواره از این تجربه به عنوان یک تجربه تلخ یاد می‌کنند. به طور خلاصه می‌توان سیستم گشت ارشاد را یک سیستم توزیع نارضایتی دانست، زیرا بسیاری از افراد دستگیرشده پس از این برخورد، نه تنها از رویه خود برنمی‌گردند، بلکه مستحکم‌تر نیز می‌شوند. بخشی از معارضان زن اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ تجربه این‌گونه رفتارها را داشته‌اند.

فقر (تحقیر ناشی از آن): ابعاد فقر تنها به این محدود نیست که فرد به لحاظ تأمین نیازهای حیاتی خود در مضيقه باشد، بلکه ابعاد پنهان دیگری نیز دارد که به تعبیر معارضان، «حتی از گشنگی هم سخت‌تر است» و از این موضوع می‌توان با عنوان تحقیر ناشی از فقر یاد کرد. مصاحبه با معارضان دی ۱۳۹۶ نشان داد که بسیاری از معارضان، تجربه‌های روزمره‌ای از تحقیر ناشی از فقر داشته‌اند، مانند اینکه در مغازه‌ها به چشم سارق به آن‌ها نگاه شده است.

بخش زیادی از این رفتارها از سوی مردم بر مردم روا داشته می‌شود، اما طرف تحقیرشده، حکومت را به دلیل بستر سازی این رقابت ناعادلانه، مسئول فقر خود می‌داند و خشم خود را معطوف به حکومت می‌کند.

تجربه برخورد سخت: تعداد زیادی از افراد موردمصاحبه که حتی یک بار رفتار نادرست سازمان‌های حکومتی را تجربه کرده‌اند، هیچ‌گاه از حکومت رضایت کامل پیدا نکرده‌اند. این حالت، بهویژه هنگامی که به‌نظر فرد، رفتار انجام‌شده فاقد مشروعیت باشد، ابعاد حادتری پیدا می‌کند. برخوردهای گشت ارشاد، برخوردهای رخداده در ایست‌های بازرگانی، برخوردهای پلیس در روابط دختر و پسر، و... در این دسته قرار می‌گیرند.

تجربه تبعیض طبقاتی و فرهنگی: بسیاری از افرادی که در اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ شرکت داشتند و با آن‌ها مصاحبه کردیم، تجربه‌های مشخصی از تبعیض‌های طبقاتی یا فرهنگی داشتند؛ به عنوان مثال، اطرافیان و هم‌کلاسی‌های آن‌ها، به‌سبب ارتباطات حکومتی‌ای که داشته‌اند، صاحب شغل شده‌اند، اما خودشان با وجود شایستگی، بیکار هستند.

وجه دیگری از تبعیض، تبعیض‌های قومی و منطقه‌ای است؛ این نوع تبعیض به‌گونه‌ای است که فرد تصور می‌کند دلیل عقب‌ماندگی شهر یا روستایش، قومیت یا مذهب او است. احساس این نوع از تبعیض، بهویژه در میان معتضدان استان‌های لرستان و خوزستان به‌گونه‌ای آشکار دیده می‌شود. البته به‌نظر این افراد، چنین تبعیضی تنها از سوی حکومت روا داشته نمی‌شود، بلکه بین مردم در برابر مردم نیز وجود دارد؛ به عنوان مثال، مردم اصفهان از مهاجران استان‌های اطراف، مانند چهارمحال و بختیاری، به نیکی یاد نمی‌کنند یا در لرستان، لرها و لک‌ها با یکدیگر مشکلات قومی دارند. تبعیض‌های مرکزی‌پیرامون یا بین‌قومی یکی از فراوان‌ترین دلایل نارضایتی معتضدان دی ۱۳۹۶ بوده است.

شناسایی نشدن توسط سیاسیون: بخشی از خروجی مصاحبه با معتضدان این است که بسیاری از افراد، تصور می‌کنند که صدایی در حکومت ندارند. مطابقت نداشتن گفته‌های سیاسیون با واقعیت‌هایی که مردم با آن دسته و پنجه نرم می‌کنند، بر فرو ریختن دیوار اعتماد و جدا شدن مردم از سیاسیون تأثیرگذار بوده است؛ به‌گونه‌ای که معتضدان تصور می‌کردند که در دنیایی موازی با سیاسیون زندگی می‌کنند؛ به عنوان مثال، در شرایطی که مردم با بیکاری دسته و پنجه نرم می‌کردند، سیاسیون از رونق اقتصادی و پیشرفت کشور سخن می‌گویند. از این مسئله می‌توان با عنوان

عدم شناسایی بخشی از مردم توسط سیاسیون یاد کرد.

نارضایتی از سیاست خارجی: سیاست خارجی کشور برای بخشی از معارضان دی ۱۳۹۶ پذیرفتنی نیست. آن‌ها بر این نظرند که به اصطلاح خودشان، «چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است» و در شرایطی که خودشان تحت فشار اقتصادی هستند، کمک به کشورهای دیگر قابل توجیه نیست. افزون‌براین، بخشی ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی، همچون مقاومت در برابر امریکا، نیز برای بخشی از مردم رنگ باخته است. در بعد عمیق‌تر، حتی مقابله با اسرائیل و حمایت از فلسطین نیز برای عده‌ای، بهویژه نسل‌های جدیدتر معارضان، بی‌معنا است و اصولاً آن‌ها با آرمان فلسطین آشنا نیستند. بخش دیگری از معارضان می‌گویند، در حالت معمول که وضع اقتصادی کشور مناسب است، با کمک‌های ایران به کشورهای دیگر مخالفتی ندارند، ولی در وضعیت رکود اقتصادی با آن مخالفند.

نارضایتی از بودجه‌ریزی: به نظر بخشی از معارضان، توزیع بودجه کشور و پرداخت آن به برخی سازمان‌های فرهنگی یا نظامی، توجیهی ندارد؛ هرچند بسیاری از آن‌ها، به جز بخشی که از طبقات دانشگاهی بودند، از ریز جزئیات بودجه‌ریزی آگاهی نداشتند و با کلیات آن مخالف بودند.

نوستالژی (احیای گذشته طلایی): در ناخودآگاه جمعی بخشی از معارضان، نوستالژی‌ای وجود دارد که با مقایسه شرایط خود با آن، تصور می‌کنند که بسیاری از داشته‌های خود را از دست داده‌اند. تعدادی از آن‌ها این گذشته‌طلایی را دوران دولت اصلاحات می‌دادند و همواره وضعیت اقتصادی خود را با آن دوران مقایسه می‌کنند؛ بخش دیگری از آن‌ها نیز —که عمدتاً نسل جدید هستند— از بعد آزادی‌های اجتماعی، وضعیت خود را با دوران پهلوی مقایسه می‌کنند. البته شناخت آن‌ها از دوران پهلوی به تصاویری که از تلویزیون‌های ماهواره‌ای پخش شده یا اطلاعات منقطع پدر و مادرهایشان محدود است.

مقایسه شرایط خود با وضعیت مردم کشورهای دیگر؛ در کنار مقایسه با گذشته، مقایسه با دیگری نیز در شکل‌گیری مسئله‌ای که ما از آن با عنوان «محرومیت قیاسی» یاد می‌کنیم، تأثیرگذار است. بسیاری از افرادی که با آن‌ها مصاحبه کرده‌ایم، با مجموعه برنامه‌ریزی شده‌ای از اطلاعات از طریق شبکه‌های اجتماعی، بهویژه اینستاگرام،

روبه رو هستند که فضایی را برای آنها ترسیم کرده است که گویی، افراد دیگر از یک رفاه حداکثری برخوردارند و آنها هیچ‌چیز ندارند یا در خارج از ایران همه‌چیز مساعد و در داخل کشور همه‌چیز آشفته است. در مصاحبه با معتبرضان دی ۱۳۹۶ این بعد مقایسه، نسبتاً پررنگ بوده است.

ماندگاری در تاریخ: ابراز وجود و احساس مفید بودن، بخشی از امیال درونی انسان هستند. در شرایطی که یک جامعه بسترهاش شکوفایی را دراختیار فرد نگذارد، استعدادهای او در نطفه خفه شود، و فرصت‌های برابری برای والايش دراختیار وی فرار نگیرد، میل به مفید بودن بهسوی اقدامات انتشاری گرایش می‌یابد. بخشی از معتبرضان دی ۱۳۹۶، بویژه افراد نسل جدید، به این نکته اشاره کرده‌اند که ماندگاری در تاریخ، هدفی است که در مسیر آن حاضرند جان خود را نیز فدا کنند. تصور آنها، این است که در زندگی به هیچ‌چیز نرسیده‌اند، چه‌بسا که با مرگ، نامی از آنها بماند و مایه افتخار خانواده و دوستانشان شوند.

عدم امکان چشم‌پوشی از مشکلات جامعه: عدم امکان چشم‌پوشی از مشکلات جامعه از یک نظام اخلاقی درونی سرچشمه می‌گیرد. ممکن است این نظام اخلاقی برآمده از یک نظام اخلاقی دینی باشد و فرد براساس آموزه‌های دینی معتقد باشد که باید در مقابل ظلم ایستاد یا اینکه براساس یک نظام اخلاق عمومی تصور کند که اگر خودش در جایگاه مظلوم بود، انتظار کمک می‌داشت. به‌حال، براساس سخنان معتبرضان در مصاحبه‌هایی که با معتبرضان دی ۱۳۹۶ انجام شد، به این نتیجه می‌رسیم که بسیاری از آنها، وجدان‌های اخلاقی بسیار بیداری داشته‌اند و در کنار مسائل شخصی، مسائل جمعی برای آنها مهم بوده است. این وجدان درونی، یکی دیگر از عوامل برسانزende اعتراض‌ها بود.

فقدان آزادی به‌طور عام: یکی دیگر از دغدغه‌های ذهنی معتبرضان دی ۱۳۹۶، فقدان آزادی به‌معنی عام کلمه بود. آنان این موضوع را با جمله‌های کلی ای مانند اینکه «آزادی نداریم» مطرح کرده‌اند. البته زمانی که در مورد جزئیات موضوع از آنها پرسیده شده است، مسائلی را به عنوان شاخص این فقدان معرفی کرده‌اند؛ مثلاً اینکه آزادی جنسی، آزادی برگزاری کنسرت، آزادی اعتراض، نقد، و مواردی از این دست وجود ندارد.

پلورالیسم: تعداد زیادی از معتبرضان، از تحمل‌های حکومت، به سمت وسوی

تساهل مداری حرکت کرده بودند. این تساهل مداری به گونه‌ای بود که در مورد وجود راهی برای سعادت بشری، به دیده شک می‌نگریستند. این مسئله را می‌توانیم طلب نوعی پلورالیسم بنامیم. مصاحبه‌شوندگان معمولاً این مسئله را با تعبیرهایی مانند «هر کی رو توی قبر خودش می‌گذارن» بیان می‌کردن.

ناسیونالیسم: تعداد محدودی از معارضان، هدف خود از اعتراض را نظرگاه‌های وطن‌پرستانه و تاحدودی ناسیونالیستی بیان می‌کردن. این موضوع در میان معارضان مناطقی مانند لرستان پررنگ‌تر بود.

قابل با دین: نگرش افراد موردمصاحبه در مورد دین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ بخش اندکی از آن‌ها با دین به عنوان یک مسئله شخصی نیز تقابل پیدا کرده‌اند، اما اکثریت مطلق معارضان با دین حکومتی مشکل داشتند و علت آن را ناکامی حکومت دینی در حل بدیهی ترین مسائل شهروندان می‌دانستند. این مسئله سبب شده است که حوزوی‌ها یا به تعبیر معارضان، «آخوندها»، اعتبار خود را نزد معارضان از دست بدھند. معارضان، دین را نه مسئله‌ای اعتقادی، بلکه بهانه‌ای برای حکومت کردن این افراد می‌دانند. این مضمون، یکی از پررنگ‌ترین مضمون‌های اعتراضی بود.

مبازه طبقاتی: براساس نمونه موردمصاحبه، افرادی که بر مبنای ایدئولوژی مشخصی در اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ شرکت کرده‌اند، بسیار ناچیز بوده‌اند، اما به‌هر حال، بخشی از جمعیت معارضان را تشکیل می‌دادند. این جمعیت بیشتر افرادی بودند که گرایش‌های چپ توده‌ای، مارکسیست لینینیستی، یا حتی آنارشیستی داشته‌اند و معتقد بوده‌اند که حضور در میدان، می‌تواند به عنوان یک تاکتیک، سبب جهت‌دهی به اعتراض‌ها شود.

امید به انقلاب: بسیاری از افراد موردمصاحبه، از اینکه شخصی در داخل حکومت بتواند حامل تغییرات موردنظر آن‌ها باشد، نامید بودند. در عین حال، همه آن‌ها با توجه به رشد گسترده اعتراض‌ها در کوتاه‌مدت و به‌ویژه آغاز آن از مشهد، به نتیجه اعتراض‌ها خوش‌بین بودند، زیرا تصور آن‌ها این بود که مشهد یک امپراتوری مجرزا است و چون اعتراض‌ها از آنجا آغاز شده و از روز نخست، شعارها علیه ارکان حکومت بود، می‌تواند به نتیجه برسد. آن‌ها بسیار امیدوار بودند که به‌زودی شاهد تغییرات ناگهانی خواهند بود. اکثریت آن‌ها تأکید می‌کردند که برای

براندازی نظام یا اعمال تغییرات کلان به میدان آمده‌اند و در اعلام این مسئله خودسازی نیز نداشتند. می‌توان گفت، معتضدان امیدوار به ایجاد تغییر بودند و این امید برای آن‌ها یک نیروی محركه به‌شمار می‌آمد.

حفظ رفاقت‌ها: برخی از معتضدان، دلیل حضور خود را با عنوان «رفاقتی» و «همراه دیگران بودن» توصیف می‌کردند و حضور افراد به‌تهای، بسیار ناچیز بود. گویی جنس، فرصتی برای باهم بودن است. عده‌ای از معتضدان پیش‌ازین در گروه‌های اجتماعی‌ای مانند جماعت‌های هنری، سندیکاهای کارگری، بسیج، هلال احمر، تشکل‌های دانشجویی، و... عضویت داشتند و در همان تشکل‌ها نیز در پی دوستی‌ها و معاشرت‌های جدید بوده‌اند.

سبک زندگی متفاوت: بخشی از نمونه موردمصاحبه، سبک زندگی متفاوتی را نسبت به سبک زندگی رسمی حکومت می‌پسندیدند. این افراد، در جماعت‌های شخصی‌شان، براساس اعتقادات خود زندگی می‌کنند، اما با گسترش روزبه‌روز حیطه نظارت حکومت و محدودیت حریم‌های خصوصی، به معتضدان علیه حکومت تبدیل شده‌اند.

فقدان اوقات فراغت: از نظرگاه معتضدان، اوقات فراغت در جامعه ایران به‌شدت محدود است و اندک فضاهای موجود نیز درحال تنگ‌تر شدن هستند. در برخی شهرها نیز مسائل طبیعی به این وضعیت دامن می‌زنند؛ به عنوان مثال، در اصفهان، نابودی زاینده‌رود و فضاهای عمومی اطرافش، مسئله فقدان اوقات فراغت را تشدید می‌کند؛ ازین‌رو، حضور خیابانی می‌تواند به فرصتی برای خارج شدن از روزمرگی و تفریح تبدیل شود. به نظر معتضدانی که متعلق به نسل جدید هستند، تظاهرات خیابانی، ترسناک نیست، بلکه جذاب هم هست.

فقدان چشم‌اندازی برای آینده (امید): چشم‌اندازی که فرد برای خود تصور می‌کند، تنها به مسائل اقتصادی محدود نیست و شخص ممکن است با توجه به تجربه‌هایی که داشته است، تصویری را برای آینده خود ترسیم کند. تصویر از آینده می‌تواند دارای مؤلفه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی باشد. این تصویر خودساخته، در نزد معتضدان مخدوش شده بود. فضای نامیدی از آینده، در اکثریت قریب به اتفاق

معتضدان دی ۱۳۹۶ به‌وضوح وجود داشت.

۶. تحلیل انگیزش‌های معتبرضان

براساس بررسی‌های این پژوهش، مسائل اقتصادی، تنها یکی از دلایل اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ بوده است، اما کل علت نیست. بررسی‌های ما نشان می‌دهد، فرایندها و روندهای معتبرض‌ساز در طول سال‌های متمادی، موجب تراکم خواسته‌های گوناگونی شده‌اند که در دی ۱۳۹۶ سر باز کردند. درصد فراوانی انگیزش‌های بنیادین مختلف نشان می‌دهد که انگیزه‌های ذهنی معتبرضان سبا درصد نسبتاً بالایی—نسبت به انگیزه‌های حیاتی، فراوانی بیشتری دارند. برپایهٔ یافته‌های این پژوهش، در میان انگیزه‌های بنیادین اعتراضی، ۷۲ درصد از انگیزه‌ها، ذهنی و ۲۸ درصد آن‌ها، حیاتی بوده‌اند.

در پژوهش حاضر، نیازهای حیاتی به سه دسته تقسیم شدند که به ترتیب فراوانی عبارتند از: نیازهای اقتصادی، نیاز جنسی، و مسائل محیط زیستی. نیازهای ذهنی (فرهنگی) نیز به شش دسته تقسیم شدند که به ترتیب فراوانی عبارتند از: تبعیض و تحقیر، لذت‌جویی، امر ایدئولوژیک، انگیزه اخلاقی، محرومیت قیاسی، و نامیدی. اما اگر تمام داده‌ها به گونه‌ای یکپارچه تحلیل شوند، بیشترین درصد فراوانی به ترتیب به تجربهٔ تبعیض و تحقیر، نیاز اقتصادی، لذت‌جویی، امر ایدئولوژیک، انگیزه اخلاقی، محرومیت قیاسی، نیاز جنسی، مسائل محیط زیستی، و نامیدی مربوط بوده است. خلاصهٔ مطالب یادشده را می‌توان در نمودار شماره (۴) مشاهده کرد؛ نموداری که می‌تواند تحلیل کلانی از علت اعتراض‌های سیاسی دی ۱۳۹۶ ارائه دهد و پاسخی است به پرسش اصلی این پژوهش مبنی بر اینکه «عناصر معنایی شکل‌دهنده به اعتراض‌های سیاسی دی ۱۳۹۶ چه مواردی بودند».

نمودار شماره (۴). درصد فراوانی عناصر معنایی شکل‌دهنده به اعتراض‌های سیاسی دی ۱۳۹۶



دی ۱۳۹۶ به بحران شناسایی و تجربه تحقیر و تبعیض مربوط بوده‌اند، اما اعتراض‌های سیاسی دی ۱۳۹۶ دقیقاً با استفاده از الگوی هونتی که برپایه عدم شناسایی بنا شده است، قابل تحلیل نیست. در ادامه سعی خواهیم کرد این نظریه را تاحدامکان متناسب با جامعه ایران بومی‌سازی کنیم.

هونت بر این نظر است که نظریه‌های بازتوزیعی، نمی‌توانند تضمین‌کننده شکل‌گیری یک جامعه عادلانه باشند، زیرا حتی ارزش حقوق و کالاهای طبقات فرادست مشخص می‌کنند و بازتوزیع آن‌ها، در ایجاد عدالت، نقشی ندارد. وی بر این نظر است که باید ریشه‌بی‌عدالتی را هدف قرار داد و این ریشه، یک ریشهٔ فرهنگی است. به نظر هونت، افراد در پی تغییر اصول هستند و مجادلات اجتماعی نیز برهمناس اساس شکل می‌گیرند. اما در این مسئله، مشکلی وجود دارد؛ اینکه بخشی از نیازها، اصولاً ربطی به ارزش‌گذاری طبقهٔ حاکم ندارند، بلکه نیازهایی هستند که هر موجود زنده‌ای (حتی حیوانات) آن را طلب می‌کند؛ نیازهایی مانند هوا، غذا، مسکن و سرپناه، و نیاز جنسی. این‌گونه نیازها، نیازهایی هستند که در هر موجود زنده‌ای وجود دارند و ارتباطی به جامعهٔ پساصنعتی، شکل‌گیری طبقات اجتماعی، و تعریف‌های ارائه‌شده توسط سرمایه‌داران ندارند و منطقی است که این مسائل در فضای جامعه‌ای که هونت در آن نظریه‌پردازی می‌کند، حل شده باشند و این نظریه‌پردازان، تأمین نیازهای اولیهٔ انسان را بدیهی فرض کنند، اما در کشورهای در حال توسعهٔ سازگاری جامعهٔ امروز ایران—می‌باشد محور جدگانه‌ای را برای آن‌ها در نظر گرفت. اگرچه این نیازها در بررسی اعتراض‌های سیاسی دی ۱۳۹۶ نسبت به مقوله‌های فرهنگی (ذهنی) سهم کمتری داشته‌اند، نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

به عنوان مثال، مقولهٔ اصلی در جامعهٔ امروز ایران، بحث‌های مربوط به بازتعریف گراش جنسی نیست، بلکه بحث بر سر پذیرفتن نفس این نیاز است؛ یا در مورد مسائل اقتصادی، بحث اساسی این نیست که مثلاً شیوهٔ دریافت مالیات باید چگونه باشد یا توزیع ثروت باید چگونه انجام شود، بلکه بحث اساسی این است که دولت پذیرد که وظیفهٔ تأمین نیازهای اقتصادی شهروندان را به‌عهدهٔ دارد و به مسائل اقتصادی به چشم تحقیر نگاه نشود و توسعه، مأموریت اصلی دولت باشد.

در عین حال، طرح مسائل محیط‌زیستی در جامعه ایران به تولید کمتر گازهای گلخانه‌ای یا گرمایش زمین مربوط نیست، بلکه نفس اینکه محیط زیست اهمیت دارد، موضوعی است که پس از دهه ۱۳۹۰ وارد بحث‌های جاری کشور شده است و پیش از آن مغفول مانده بود؛ بنابراین، توجه به نیازهای حیاتی در جامعه ایران با جوامع پیشرفت‌هه قابل قیاس نیست و کماکان باید بر نفس این موضوعات و پذیرش آن‌ها تأکید کرد. براین اساس، می‌توانیم یک محور به محورهای دیگر نظریه هوت در موضوع جامعه ایران اضافه کنیم و آن، موضوع تأمین مسائل حیاتی و نیازهای بینادین اولیه است. تأمین نیازهای حیاتی می‌تواند یک محور جداگانه باشد.

نظریه شناسایی هوت، سه وجه داشت که رسیدن این سه جزء به نقطهٔ تکاملشان، پیش نیاز یک جامعه عادلانه به شمار می‌آید. این سه جزء عبارتند از: اعتماد به نفس، کرامت شخصی، و عزت نفس. انگیزه‌های فرهنگی (ذهنی) شناسایی شده در میان معتضدان دی ۱۳۹۶ عبارتند از: تبعیض و تحقیر، لذت جویی، امر ایدئولوژیک، انگیزه اخلاقی، محرومیت قیاسی، و نامیدی. این مضمون‌ها، در چارچوب سه‌وجهی ای که هوت از آن‌ها برده است، قابل دسته‌بندی هستند. تبعیض و تحقیری که معتضدان به آن اشاره کرده‌اند، وجهی ایجابی نیز دارد؛ وجه ایجابی آن، یعنی اینکه فرد، دارای اعتماد به نفس، کرامت شخصی، و عزت نفس باشد؛ یعنی حقوق اساسی‌اش محترم داشته شود، جامعه صفت‌ها و شایستگی‌اش را پذیرد، و در روابط شخصی خود مورد شناسایی قرار گیرد. لذت جویی که معتضدان از آن یاد کرده‌اند، رگه‌های مطلقی از روابط شخصی و نیازها و احساسات دارد؛ از این‌رو، این مضمون را نیز می‌توانیم در چارچوب اعتماد به نفس هوتی قرار دهیم. امر ایدئولوژیک و انگیزه اخلاقی که معتضدان در دی ۱۳۹۶ بر آن تأکید داشتند، نوعی از تفکر آرمان‌گرایانه را بازنمایی می‌کند؛ اینکه همه افراد با هر اندیشه و توانایی‌ای مورد افتخار و وقار باشند و هیچ انسانی سرزنش نشنود؛ بنابراین، این دو موضوع را نیز می‌توانیم در قالب عزت نفسی که هوت به آن اشاره کرده است، دسته‌بندی کنیم. وجه دیگری از مضمون اعتراضی دی ۱۳۹۶، موضوع محرومیت قیاسی بود؛ اینکه افراد به این نتیجه رسیده‌اند که دارای حقوق برابری با دیگران در زمان حال یا در زمان گذشته نیستند و این حقوق را طلب می‌کردند؛ پس وجه

ایجابی و مثبت این موضوع را نیز می‌توانیم در چارچوب کرامت شخصی دسته‌بندی کنیم. به‌طور خلاصه، از ۲۵ مضمون فرهنگی (ذهنی) که از طریق مصاحبه مشخص شد، به ۶ مضمون کلی جامع‌تر رسیدیم و از این ۶ دسته، ۵ دسته آن‌ها را در چارچوب ۳ وجه شناسایی هوت دسته‌بندی کردیم؛ دسته‌بندی انجام‌شده تا این بخش به‌طور خلاصه در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول شماره (۴). دسته‌بندی مضمون‌های کلی فرهنگی (ذهنی) در قالب مضمون‌های هوتی

مض蛩 هوتی	مض蛩 کلی	مض蛩 اولیه
کرامت شخصی و عزت نفس	تبیعیض و تحقیر	نارضایتی از شرایط کاری (تحقیر در محل کار)
		نارضایتی از شرایط آموزشی (تحقیر در نظام آموزشی)
		مسائل خانوادگی (تحقیر در خانواده)
		سربازی (تحقیر در سربازی)
		حجاب
		فقر (تحقیر ناشی از آن)
		تجربه برخورد سخت
		تجربه تبعیض طبقاتی و فرهنگی
		شناسایی نشدن توسط سیاسیون
		نارضایتی از سیاست خارجی
کرامت شخصی	محرومیت قیاسی	نارضایتی از بودجه‌ریزی
		نوستالژی (احیای گذشته طلایی)
عزت نفس	انگیزه اخلاقی	مقایسه خود با خارج از کشور و دیگری
		ماندگاری در تاریخ
		عدم امکان چشم‌پوشی از مشکلات جامعه
		فقدان آزادی به‌طور عام
عزت نفس	امر ایدئولوژیک	پلورالیسم
		ناسیونالیسم
		قابل با دین حکومتی
		بارزه طبقاتی
اعتماد به نفس	لذت‌جویی	امید به انقلاب
		حفظ رفاقت‌ها
		سیک زندگی متفاوت
		فقدان اوقات فراغت

نظریه شناسایی هوت برای یک جامعه پساصنعتی و پسامدرن، گویای ویژگی‌های یک جامعه عادلانه است. اما ما براساس تحلیل مضمون اعتراض‌های دی ۱۳۹۶، برای جامعه‌ای مانند ایران، تأمین نیازهای حیاتی حداقلی را نیز به آن افزودیم و حال

می خواهیم یک جزء دیگر را که ویژه ایران است، به این دو مجموعه اضافه کنیم و آن، امید اجتماعی است؛ مقوله‌ای که در چارچوب مضمون‌های پیشین نمی‌گنجد.

واقعیت این است که عدالت در یک جامعه به صورت ناگهانی و یکباره ایجاد نمی‌شود، بلکه به مرور زمان بر آن حاکم می‌شود، اما اگر این جامعه امید نداشته باشد، به سمت وسوی شورش‌های بی‌نتیجه ناگهانی حرکت خواهد کرد. تنها با امید به آینده است که مجموعه خواسته‌های افراد می‌تواند در چارچوب یک جنبش اجتماعی زبان‌پیرا و برچسب‌زدا مفصل‌بندی شود. فقدان امید اجتماعی در مقطع دی ۱۳۹۶ سبب واکنش شد و امید به تغییر، جایگزین آن شده و اعتراض‌ها را سامان داد، اما زمانی که امید به تغییر نیز دچار فرسایش شد، نامیدی دوچندانی شکل گرفت و معتبرضان بدون هیچ‌گونه دستاوردهای ملموسی، خیابان را ترک کردند؛ بنابراین، امید برای یک جامعه درگیر بی‌عدالتی، مانند سوخت حرکت ماضین جامعه در مسیر عدالت است؛ براین‌ساس، امید اجتماعی را نیز به نظریه هوت نسبت برای جامعه ایران می‌افزاییم و اگر دی ۱۳۹۶ را به عنوان مصدقایی از جنبش‌های عدالت‌طلبانه در نظر بگیریم، می‌توانیم این جنبش‌ها را برای جامعه ایران به صورت زیر مفصل‌بندی کنیم:

- تلاش برای تأمین نیازهای حیاتی+ تلاش برای کسب شناسایی+ امید اجتماعی برای تغییر= جنبش عدالت‌خواهانه برای جامعه ایران براساس نظریه شناسایی هوت.

البته باید توجه داشت که تأکید ما بر امید به عنوان یک مؤلفه فرایندی است، یعنی برای رسیدن به عدالت، وجود امید برای تغییر لازم است و گرنه شاهد واکنش‌های ناگهانی خواهیم بود.

درنهایت، شرایط آرمانی عدالتانه در جامعه ایران، باید افزون‌بر شناسایی، تأمین نیازهای حیاتی افراد را نیز در خود داشته باشد و این موضوع را می‌توانیم بومی‌سازی نظریه شناسایی هوت برای جامعه ایران براساس اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ بنامیم. باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که تأمین نیازهای اساسی به‌گونه‌ای در نظریه هوت نهفته است، اما ما بر این نظریم که براساس آنچه پیش‌ازاین مطرح شد، تنها نهفته بودن کافی نیست، بلکه در مسئله جوامعی مانند ایران، باید تأمین آن‌ها را برجسته کرد و تأمین نیازهای حیاتی را به عنوان یک محور جداگانه به نظریه شناسایی هوت افزود.

نتیجه‌گیری

هدف ما در این پژوهش، یافتن عناصر معنایی شکل دهنده به اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ بود. به این منظور، از نظریه شناسایی اکسل هوت به عنوان چارچوب نظری استفاده کردیم و سعی کردیم مصاحبه با معتبرسان را در قالب مفاهیم مطرح شده توسط وی دسته‌بندی کنیم. نظریه‌ای که در سه وجهه، از حالت شناسایی کامل یاد می‌کند؛ سه‌وجهی که به ترتیب عبارتند از: اعتماد به نفس، کرامت شخصی، و عزت نفس. اعتماد به نفس در روابط دوستانه، عاشقانه، و شخصی فرد شکل می‌گیرد، کرامت شخصی در ارتباطات قانونی و حقوقی فرد در جامعه محقق می‌شود، و عزت نفس را نیز باید در احترام اجتماعی فرد و همبستگی جامعه جست‌وجو کرد. برای توصیف فرایند شکل‌گیری اعتراض‌ها و چرایی آغاز آن از ۷ دی ۱۳۹۶، از نظریه فرصت سیاسی دیتر روکت و همکاران استفاده کردیم و اتحاد بین معتبرسان از طریق شبکه‌های اجتماعی و چندپارگی بین حاکمان را از جمله اجزای فرصت سیاسی شکل‌گرفته در دی ۱۳۹۶ درنظر گرفتیم. در ادامه، مصاحبه با معتبرسان را تا مرحله‌ای پیش بردم که به اشباع داده‌ها رسیدیم و در این مرحله، روند مصاحبه‌ها را متوقف و آن‌ها را کدبندی کردیم. در میان مصاحبه‌ها، ۳۸ مضمون اولیه شناسایی شدند؛ مضمون‌هایی که در بردارنده انگیزه‌های معتبرسان بودند. انگیزه‌ها را نیز به دو دسته دورانی (انگیزه‌های مربوط به مقطع زمانی دی ۱۳۹۶) و بنیادین (انگیزه‌های ساختاری) تقسیم کردیم. این انگیزه‌ها، فارغ از دورانی یا بنیادین بودن، یا حیاتی هستند یا ذهنی (فرهنگی)؛ منظورمان از نیازهای حیاتی، نیازهایی است که به حوزه نیازهای اولیه انسان، همچون اقتصاد معاش، نیاز جنسی، و... مربوط هستند و نیازهای ذهنی (فرهنگی) نیز به حوزه‌هایی مانند تبعیض و تحکیر، محرومیت قیاسی، انگیزه اخلاقی و... مربوط می‌شوند. در ادامه به درصد فراوانی این نیازها پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که علت اصلی اعتراض‌ها، نیازهای ذهنی بوده است و در رأس این نیازها، مسئله تبعیض و تحکیر قرار دارد. عامل اصلی اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ را تجربه تبعیض و تحکیر دانستیم، اما در این مرحله، متوقف نشدیم و سعی کردیم که نظریه شناسایی هوت را با توجه به اعتراض‌های دی ۱۳۹۶ بومی‌سازی کنیم. با توجه به مهم‌ترین مضمون‌های کلی‌ای که کشف شد، دو جزء به نظریه

شناسایی هونت اضافه کردیم و این ایده را پیش بردیم که هرگونه نظریه مربوط به عدالت در ایران، باید دربردارنده دو جزء دیگر، غیر از شناسایی، باشد و آن دو جزء یکی تأمین نیازهای حیاتی و دیگری امید اجتماعی است و برای رسیدن به یک جامعه عادلانه لازم است که امید اجتماعی به عنوان یک عامل فرایندی وجود داشته باشد.*

منابع

حاجیانی، ابراهیم؛ پورسعید، فرزاد؛ فاضلی، نعمت‌الله؛ مرادی، داود؛ پروین، ستار؛ پویافر، محمد رضا؛ و دیگران (۱۳۹۷)، *اعتراضات و ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۳۹۶: تحلیل‌ها و برآوردها*، به اهتمام ابراهیم حاجیانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Glaser B. G (2002), "Conceptualization: on Theory and Theorizing Using Grounded Theory, *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2), pp.23-38.
- Honneth A (1996), *The Struggle for Recognition, The Moral Grammar of Social Conflicts*, Translated by Joel Anderson, The MIT Press Cambridge, Massachusetts.
- Maguire, M, Delahunt, B. (2017), "Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars", *Dundalk Institute of Technology*, No. 3.
- O'Brien, T (2013P), "Awakening to Recovery and Honneth's Theory of Recognition", *Adult Learner: The Irish Journal of Adult and Community Education*, Vol. 59, pp.60-74.
- Ohlström, M, Solinas, M, Voirol, O (2011), "On Nancy Fraser and Axel Honneth's Redistribution or Recognition? A Political-Philosophical Exchange", *Iris. European Journal of Philosophy and Public Debate*, 3 (5), pp. 205-221
- Onwuegbuzie, AJ, Dickinson, WB, Leech, NL, Zoran, AG (2009), "A Qualitative Framework for Collecting and Analyzing Data in Focus Group Research", *International Journal of Qualitative Methods*, 8(3), pp. 1-21.
- Patton, MQ (2002), *Qualitative Research and Evaluation Methods*, 3rd ed. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Rucht, D, McAdam, D, McCarthy, J.D, Zald, M.N (1996), *Comparative Perspectives on Social Movements: Political Opportunities, Mobilizing Structures, and Cultural Framings, National Context and Movement Structures*, Cambridge University Press, pp.190-191